

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه تحت اللفظی و روان

## GCSE LAW

(ویژه داوطلبان شرکت در آزمون کارشناسی ارشد)

مترجم: محمود رمضانی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: براون، ویلیام جان Brown, William John
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه تحت‌اللفظی و روان GCSE LAW ویژه داوطلبان شرکت
در آزمون کارشناسی ارشد/ [تالیف دبلیو. جی. براون]؛ [ترجمه] محمود رضانی.	
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۰۸-۰۴
یادداشت	: عنوان اصلی: GCSE Law.
یادداشت	: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "متون دانشگاهی حقوق
	ترجمه GCSE law " با ترجمه حسین رحیمی خجسته منتشر شده است.
عنوان دیگر	: متون دانشگاهی حقوق ترجمه GCSE law.
موضوع	: حقوق -- انگلستان -- آزمون‌ها -- راهنمای مطالعه
موضوع	: حقوق -- ویلز -- آزمون‌ها -- راهنمای مطالعه
موضوع	: حقوق -- راهنمای آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	: رضانی نوری، محمود، ۱۳۴۹ - مترجم
رده بندی کنگره	: KD ۶۶۳/ب ۲م ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	: ۴۲/۳۴۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۴۴۹۸۹

---

<b>نام کتاب</b>	: ترجمه تحت‌اللفظی و روان GCSE Law
مترجم	: محمود رضانی
ناشر	: چتر دانش
سال و نوبت چاپ	: پنجم - ۱۴۰۰
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۰۸-۰۴
قیمت	: ۱۱۰۰۰۰ تومان

---

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیرری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**



آن همیشه استوار، پدر  
و  
معنای مهربانی، مادر

## **Contract**

Essentials of a contract	8
Offer	11
Acceptance	22
Consideration	38
Capacity	50
Legal Relations	68
Legality	71
Consensus ad idem (agreement)	83
Discharge of a contract	101
Remedies for Breach of contract	115
<b>Criminal Law</b>	<b>135</b>
Definition	136
The Powers of Arrest	194
Bail	207
General Defences	212







PART ONE

**CONTRACT LAW**



### Definition

#### تعریف

A contract is an agreement between two or more parties  
طرف چند یا دو بین توافق یک است قرارداد یک  
who promise to give and receive something from each other  
یکدیگر از چیزی بگیرد و بدهد تعهد می کنند که  
(legally known as consideration) and Who intended the  
آن قصد می کنند اینکه و عوض به عنوان نامیده می شود قانوناً  
agreement To be legally binding  
الزام آور قانوناً باشد توافق

#### تعریف

یک قرارداد توافقی است بین دو یا چند طرف که تعهد می کنند چیزی را به یکدیگر بدهند و بگیرند (که قانوناً به عنوان عوض نامیده می شود) و اینکه قصد می کنند آن توافق قانوناً الزام آور باشد.

All contracts are agreements but there are many agreements  
توافقات بسیاری از وجود دارند اما توافق هستند قراردادها همه  
which are not contracts if a friend promised to pay for  
برای پردازد (پولی) تعهد بکند دوستی اگر قرارداد نیستند که  
the petrol in return for a lift home from college on your  
تان با دانشکده از خانه ببرید به در قبال اینکه بنزین  
motorbike and later refused to do as promised,  
تعهد شده همان طوری که انجام دادن خودداری کند از بعداً و موتور  
you would not expect to take the matter to court  
دادگاه به موضوع را این ببرید انتظار نخواهد رفت از شما

همه قراردادهای توافق هستند اما بسیاری از توافقات وجود دارند که قرارداد نیستند. اگر دوستی تعهد بکند پولی بپردازد برای بنزین در قبال اینکه (او را) با موتور سیکلت تان از دانشکده به خانه ببرید و بعداً از انجام دادن (آن) همان طوری که تعهد شده خودداری نمایید، از شما انتظار نخواهد رفت که این موضوع را به دادگاه ببرید.

Essentials of a contract		
ارکان	یک	قرارداد

The following elements are considered to be essential to the formation of a legally binding contract:

برای لازم باشند تلقی می شوند عناصر زیر

قرارداد الزام آور قانوناً یک تشکیل

ارکان یک قرارداد

عوامل زیر به عنوان لازمه تشکیل یک قرارداد قانوناً الزام آور تلقی می شوند:

- A. (1) offer and (2) acceptance  
قبول (2) و ایجاب (1) الف
- B. consideration  
عوض ب
- C. capacity  
اهلیت ج
- D. Legal Relations  
روابط قانونی د
- E. legality  
مشروعیت ه
- F. consensus ad idem (agreement)  
توافق در همان موضوع و توافق

الف - (1) ایجاب و (2) قبول

ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 9

ب- □ عوض

ج- □ اهلیت

د- □ روابط قانونی

ه- □ مشروعیت

و- □ توافق در همان موضوع (توافق)

$\left( \frac{A}{1} \right)$  Offer  
ایجاب 1 الف

Every contract must start with an offer by one person

طرف یک از سوی ایجاب یک با شروع شود باید قرارداد هر

to another An offer is a declaration by which the maker

موجب است که بموجب آن اعلامی است ایجاب یک طرف دیگر به

(offer) intends to be legally bound by the terms stated

ذکر شده شروط آن توسط متعهد قانوناً شود قصد می کند (ایجاب دهنده)

if accepted by the offeree.

ایجاب شونده آن از سوی شود پذیرفته اگر

### الف - 1- ایجاب

هر قرارداد باید با یک ایجاب توسط یک طرف به طرف دیگر شروع شود. یک ایجاب

اعلامی است که موجب (ایجاب دهنده) قصد می کند قانوناً توسط آن شروط ذکر شده

متعهد شود اگر از سوی ایجاب شونده پذیرفته شود.

I may offer to sell my car to you for £1000

هزار پوند در قبال شما به ماشین خودم را بفروشم ایجاب کنم ممکن است من

and if the offer is accepted. I am legally bound by

نسبت به متعهد قانوناً هستم من مورد قبول واقع گردد ایجاب این اگر و

the terms of my offer I may not later increase the price

قیمت را آن افزایش دهم بعداً ممکن نیست من ایجاب خودم شروط

nor change the agreed terms

شروط مورد توافق را آن تغییر دهم یا اینکه ممکن است من [چنین] ایجاب کنم که ماشین خودم را در قبال هزار پوند به شما بفروشم و اگر این ایجاب مورد قبول واقع گردد من قانوناً نسبت به شروط ایجاب خود متعهد هستم. ممکن نیست بعداً من قیمت را افزایش دهم یا اینکه آن شروط مورد توافق را تغییر دهم.

the following points must be considered when making an offer

ایجاب یک تشکیل به هنگام در نظر گرفته شود باید نکات زیر

به هنگام تشکیل یک ایجاب نکات زیر باید در نظر گرفته شود.

(1) It may be made to an individual or to

خطاب به یا شخص یک خطاب به صورت بگیرد ممکن است آن (1)

a larger number of people.

مردم از تعداد زیادی

Carlill v. carbolic smoke Ball co. (1892)

(1892) شرکت بال اسموک کاربولیک علیه کارلیل

(1) آن [ایجاب] ممکن است خطاب به یک شخص یا خطاب به تعداد زیادی از مردم صورت بگیرد.

[دعوی] کارلیل علیه شرکت کاربولیک اسموک بال (1892).

In an advertisement, the company promised to give £100 to

به 100 پوند بدهد تعهد نمود شرکت آن آگهی یک در anyone who purchased their smoke ball remedy for influenza, and

و آنفولانزا برای داروی بخور شان را بخرد که هر کسی

caught the illness within 14 days to show good faith the

آن حسن نیت برای نشان دادن روز 14 در ظرف بیماری آن دچار شود به

company deposited £1000 with a bank to meet any claims

ادعایی هرگونه برای تأمین بانک یک نزد 1000 پوند سپرد شرکت

ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 11

Carlill.Mrs bought the remedy, caught influenza and claimed  
ادعا کرد و آنفولانزا دچار شد به دارو را آن خرید خانم کارلایل  
£۱۰۰ the court awarded Calill.Mrs £۱۰۰ and held that:  
حکم داد که و 100 پوند خانم کارلایل مورد رأی قرارداد دادگاه 100 پوند

در یک آگهی آن شرکت تعهد نمود به هر کسی که داروی بخورشان را برای [درمان]  
آنفولانزا بخرد و در ظرف 14 روز آن مریضی را بگیرد 100 پوند بدهد. برای نشان دادن  
حسن نیت، آن شرکت برای تأمین هر گونه ادعایی هزارپوند نزد یک بانک سپرد. خانم  
کارلایل آن دارو را خرید، به آنفولانزا دچار شد و 100 پوند [را] ادعا کرد. دادگاه 100  
پوند به [نفع] خانم کارلایل مورد رأی قرارداد و حکم داد که:

(i) an offer may be made to the world, it does not have to  
لازم نیست آن تمام دنیا برای وضع شود ممکن است ایجاب یک (1)  
be to a specific person.  
شخص معین یک برای باشد

(1) یک ایجاب ممکن است برای تمام دنیا وضع شود. آن [ایجاب] لازم نیست برای یک  
شخص معین باشد.

(ii) although the general rule is that advertisements are not  
نیستند اعلامیه ها این است که قاعده کلی هر چند (2)  
offers the fact that £1000 had been deposited with a bank  
بانک یک نزد سپری شده بود 1000 پوند که حقیقت این ایجاب  
showed it was a firm offer and legal relation were intended.  
قصد شده بود روابط قانونی و ایجاب قطعی یک بود آن نشان میدهد که

(2) هر چند قاعده کلی این است که اعلامیه‌ها ایجاب نیستند [اما] این حقیقت که 1000 پوند نزدیک بانک سپرده شده بود نشان می‌دهد که آن یک ایجاب قطعی بوده و [ایجاد] روابط قانونی قصد شده بود.

(iii) communication of acceptance may be implied  
 به طور ضمنی صورت گیرد ممکن است قبول ابلاغ  
 (3) by the conduct of the acceptor.  
 از طریق رفتار قبول کننده

(3) ابلاغ قبول ممکن است به طور ضمنی، از طریق رفتار قبول کننده صورت گیرد.

2 – It may be made in writing, by words or by conduct. Many  
 بسیاری از به طور عملی یا شفاهی مکتوب صورت گیرد ممکن است آن  
 2 – people think of a contract as a written document,  
 سند مکتوب یک به عنوان قرارداد یک فکر می‌کنند درباره مردم  
because they read and heard of footballers or T.V  
 تلوزیون یا فوتبالیست‌ها می‌شنوند درباره و می‌خوانند آنها زیرا  
stars "signing a year – two contract". Although is it  
 آن است هر چند قرارداد دو ساله یک امضای ستارگان  
some times desirable to have written evidence of what  
 آنچه که از مدرک کتبی داشتن مطلوب گاهی  
was agreed, it is not essential for most contracts, and  
 و قراردادها بیشتر برای ضروری نیست آن مورد توافق قرار گرفته است  
an oral contract is just as legal. On occasion  
 گاهی قانونی به همان میزان درست است قرارداد شفاهی یک  
the parties may not contract verbally, but may communicate  
 ابلاغ کنند ممکن است اما شفاهاً قرارداد ببندند ممکن نیست طرفین  
their intentions by conduct. for example, a taxi may  
 ممکن است تاکسی یک به طور مثال رفتار یا قصد شان

### ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 13

be hired by raising a hand or a nod at an auCTION

حراج یک در تکان سر یک یا یک دست بلند کردن با کرایه شود

may make a bid for the item on sale

فروشی جنس آن برای یک پیشنهاد به وجود آورد ممکن است

آن [ایجاب] ممکن است [به صورت] مکتوب، به طور شفاهی یا عملی صورت گیرد. بسیاری از مردم یک قرارداد را به عنوان یک سند مکتوب می‌پندارند. برای اینکه آنها درباره "امضا شدن یک قرارداد دو ساله" توسط فوتبالیست‌ها و ستارگان سینما [مطلبی] می‌خوانند و می‌شنوند. هر چند گاهی داشتن یک مدرک کتبی از آنچه که مورد توافق قرار گرفته مطلوب است. [اما] آن برای بیشتر قراردادها ضروری نیست. و یک قرارداد شفاهی درست به همان میزان قانونی است. گاهی اوقات ممکن است طرفین به طور شفاهی قرارداد نبندند اما ممکن است قصدشان را با رفتار [خویش] ابلاغ نمایند. به طور مثال یک تاکسی ممکن است با بلند کردن یک دست کرایه شود، یا تکان دادن سر [به علامت توافق] در یک حراج ممکن است پیشنهادی برای [خرید] جنس فروشی بوجود آورد.

3 it must be communicated to the acceptor

3 قبول کننده به ابلاغ شود باید آن 3

A person who, not aware of an offer, acts in a certain

خاص یک به عمل می‌کند ایجاب یک از آگاه نیست که شخص یک

way can not later, when aware of the existence of the offer,

ایجاب آن وجود از مطلع می‌شود وقتی بعداً نمی‌تواند طریق

claim that this action was the acceptance. it is of no avail to claim

ادعا شود هیچ فایده‌ای ندارد قبول بوده است عمل این که ادعا کند

that he would have conducted him self in the same way, had he

او اگر نحو همان به خودش عمل نموده است او که

knowan at the time that the offer had been made. Such

چنین صورت گرفته بود. ایجاب آن که زمانی در می‌دانست

situations arise in reward cases. Suppose, for example, a  
 یک برای مثال فرض کنیم قضیه مژدگانی ها در بروز می کند موقعیت هایی  
 reward was offered for returning a lost dog and a person  
 شخص یک و سگ گمشده یک برگرداندن برای ایجاب شده جایزه  
 un aware of the offer returned the dog to the owner. The finder  
 یابنده صاحب (ش) به سگ را آن برگرداند ایجاب آن از بی اطلاع  
 could not later claim the reward, because at the time of returning  
 برگرداندن زمان در زیرا جایزه را ادعا کند بعداً نمی تواند  
 the dog he didnt know that there was an offer to be accepted.  
 مورد قبول واقع شود تا ایجاب یک وجود دارد که نمی دانست او سگ

3- آن [ایجاب] باید به قبول کننده ابلاغ شود.

شخصی که از ایجاب مطلع نیست [با وجود اینکه] به طریق خاصی عمل می کنند، بعداً  
 نمی تواند وقتی که از وجود ایجاب مطلع می شود ادعا کند که این عمل قبول [ایجاب] بوده  
 است. اگر ادعا شود که او خودش به همان نحو عمل نموده و در آن زمان می دانسته که  
 ایجاب صورت گرفته، بی فایده خواهد بود. چنین موقعیت هایی در قضیه مژدگانها بروز  
 می کند. برای مثال فرض کنیم. برای برگرداندن یک سگ گمشده جایزه ای ایجاب شده  
 و شخصی بی اطلاع از آن ایجاب سگ را به صاحبش برگرداند یابنده بعداً نمی تواند جایزه را  
 ادعا کند زیرا در زمان برگرداندن سگ، نمی دانست یک ایجاب وجود دارد تا مورد قبول  
 واقع شود.

#### 4 Revocation

4 الغاء

An offer may be withdrawn at any time before acceptance, but  
 اما قبول قبل از هر زمان تا لغو گردد ممکن است ایجاب یک  
 the revocation of the offer must be communicated to the offeree  
 مخاطب آن به ابلاغ گردد باید ایجاب الغای  
 in Dickenson v. Dodds (1876) the offeree was informed by  
 توسط اطلاع یافت مخاطب ایجاب 1876 در [دعوی دیکسون علیه دادس در سال



## ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 15

a reliable third party that the property, which was the subject  
موضوع بود که مال آن که شخص ثالث قابل اعتماد یک  
of the offer, had been sold. it was held that this communication.

ابلاغ این حکم داده شده که آن فروخته شده است ایجاب  
although by an outside party, was good notice of  
نسبت به تذکر خوبی بود شخص خارج یک توسط گرچه  
the revocation of the offer An offer may not be revoked if

اگر لغو شود نیست ممکن ایجاب یک ایجاب آن الغایی  
consideration was given to keep the offer open for a  
یک برای باقی ایجاب نگه داشتن برای پرداخت شده باشد عوض  
certain period of time.

زمان مدت معین

### 4- الغاء (فسخ) ایجاب

یک ایجاب ممکن است تا هر زمان قبل از قبول [ایجاب] لغو گردد اما الغاء ایجاب باید به مخاطب آن ابلاغ گردد. در دعوی دیکسون علیه دادس در سال (1876). مخاطب ایجاب توسط یک شخص ثالث قابل اعتماد اطلاع یافت که آن مال که موضوع ایجاب بود فروخته شده است. حکم داده شده که این ابلاغ گرچه توسط یک شخص خارج [از روابط طرفین صورت گرفته است]، تذکر خوبی نسبت به الغاء آن ایجاب بوده است. اگر عوضی برای باقی نگه داشتن ایجاب برای مدت زمان معینی پرداخت شده باشد، ایجاب ممکن نیست لغو گردد.

5 an offer must be distinguished from an invitation to treat.

معامله به دعوت یک از تمیز داده شود باید ایجاب یک 5

It is important to know which party makes the offer and

و ایجاب را ایجاد می کند طرف کدام بدانیم مهم هست آن

which In the case of goods on display in a shop, it has

فروشگاه یک در که نمایش داده می شوند کالاهایی مورد در کدامیک

long been decided that it is the customer who makes the offer  
ایجاب را ایجاد می‌کند که مشتری هست آن که مدت هاست رأی داده شده  
and the shopkeeper who accepts the price displayed on goods  
کالاها بر روی نمایش داده شده قیمت آن می‌پذیرد که مغازه‌دار و  
is not the offer, it is only an invitation for the customer to make  
تا ایجاد کند مشتری آن از دعوت یک فقط هست آن ایجاب نیست  
an offer and the amount shown is an indication of  
از نشانه یک هست نشان داده شده رقم آن و ایجاب یک  
the acceptable price.

قیمت قابل پذیرش

5- یک ایجاب باید از یک دعوت به معامله متمایز گردد.

مهم است بدانیم کدام طرف [معامله] ایجاب را ایجاد می‌کند و کدامیک آن [ایجاب] را می‌پذیرد. در مورد کالاها یکی که در یک فروشگاه نمایش داده می‌شوند مدت هاست رأی شده که مشتری است که ایجاب را ایجاد و مغازه‌دار آن [ایجاب] را می‌پذیرد. آن قیمت نمایش داده شده بر روی کالاها ایجاب نیست، [بلکه] تنها دعوتی است از آن مشتری تا یک ایجاب را ایجاد کند و آن رقم نشان داده شده [نیز]، نشانه‌ای از قیمت قابل پذیرش است.

After the second world war, many self – service shop  
فروشگاه‌های سلف سرویس بسیاری جنگ جهانی دوم بعد از  
were opened in this country for the first time and there was doubt  
تردید وجود داشت و بار اولین برای کشور این در افتتاح شدند  
whether this law would apply, the goods were individually  
یکایک شده بودند کالاها اعمال خواهد شد قانون این آیا  
priced and the customer took them off the shelf and placed  
می‌گذاشت و قفسه از آنها را برمی‌داشت مشتری و قیمت‌گذاری  
them into a basket. when was the offer made, when was  
شده بود چه زمانی صورت گرفته ایجاب بود چه زمانی سبد یک داخل آنها را

ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 17

it accepted? In pharma ceutical society of Great britain v.  
برعلیه بریتانیای کبیر انجمن داروسازی در [دعوی] پذیرفته آن  
Boots Cash Chemists Ltd. (1953). it was held by  
B.C.C توسط مقرر داشت آن سال 1953 شرکت با مسئولیت محدود  
the court of Appeal that the customer makes the offer when  
وقتی که ایجاب را ایجاب میکند. مشتری آن که استیناف دادگاه  
the goods are presented for payment at the cash desk, and  
و میز صندوقدار نزد پرداخت برای ارائه می شود کالاها  
the acceptance takes place when the cashier accepts the money.  
پول را می پذیرد صندوقدار هنگامی که رخ می دهد قبول  
the law gives a cashier the right to accept or reject a  
یک رد کنند یا تا بپذیرد حق را آن صندوقدار یک می دهد قانون آن  
customer's offer.

ایجاب مشتری را

بعد از جنگ جهانی دوم فروشگاه های سلف سرویس بسیاری برای اولین بار در این کشور افتتاح شدند و این تردید وجود داشت که آیا این قانون [در مورد این فروشگاه ها هم] اعمال خواهد شد [یا نه] کالاها یکایک قیمت گذاری شده بودند و مشتری آنها را از قفسه برمی داشت و آنها را داخل یک سبد می گذاشت. چه زمانی ایجاب صورت گرفته و چه زمانی آن [ایجاب] پذیرفته شده بود؟ در [دعوی] انجمن داروسازی بریتانیای کبیر بر علیه شرکت با مسئولیت محدود B.C.C در سال (1953). دادگاه استیناف مقرر داشت که آن مشتری [است] که ایجاب را ایجاد می کند وقتی که کالاها برای پرداخت نزد میز صندوقدار ارائه می شوند و قبول هنگامی که صندوقدار پول را می پذیرد رخ می دهد. آن قانون به صندوقدار حقی را می دهد [از اینکه] ایجاب یک مشتری را بپذیرد یا آن را رد کند.

in a more recent criminal case Fisher v. Bell (1961).  
در سال (1961) بل علیه فیشر دعوی کیفری جدید تر یک در

the defendant was charged with offering for sale an offensive  
 تهاجمی یک فروش برای ایجاب به متهم شده بود خواننده  
 weapon. He had displayed a flick knife with a price in  
 پشت قیمت یک با چاقوی ضامن‌دار یک به نمایش گذاشته بود او سلاح  
 his shop window. The court followed the law of contract and  
 و قراردادها حقوق پیروی کرد از دادگاه ویتترین مغازه اش  
 held that a price article in a shop window is an  
 یک هست ویتترین مغازه یک پشت جنس قیمت گذاری شده یک رأی داد که  
 invitation to treat and is not an offer for sale. The defendant,  
 متهم فروش برای ایجاب یک نیست و معامله به دعوت  
 therefore, was not guilty of "offering for sale" the flick knife.  
 چاقوی ضامن‌دار آن ایجاب برای فروش مرتکب نبود بنابراین

در یک دعوای کیفری جدیدتر، فیشر بر علیه بل در سال (1961)، خواننده به ایجاب برای فروش یک سلاح تهاجمی متهم شده بود. او یک چاقوی ضامن‌دار را با قیمتی پشت ویتترین مغازه اش به نمایش گذاشته بود دادگاه از حقوق قراردادها پیروی کرد و رأی داد که یک جنس قیمت گذاری شده پشت ویتترین که مغازه یک ایجاب برای فروش نیست [بلکه] یک دعوت به معامله است. بنابراین متهم مرتکب "ایجاب برای فروش نیست" چاقوی ضامن‌دار نبود.

The above rule has been applied to some advertisements. In  
 در [دعوی] آگهی‌ها بعضی از برای اعمال شده است قانون فوق  
 Harris v. Nickerson (1873) it was held that an advertisement  
 اعلامیه یک حکم داده شد که آن در سال (1873) نیکرسون بر علیه هریس  
 giving details of an auction to take place was not an offer but  
 بلکه ایجاب یک نبود رخ دادن برای حراج یک جزئیات با ارائه دادن  
 an invitation to come and make an offer. In Partridge  
 پارتریج در [دعوی] ایجاب یک ایجاد کردن و آمدن به دعوت یک

v. Crittenden (1968), Partridge was charged with illegally offering for sale wild live birds. He had placed an advertisement in a paper offering birds for sale but the court held that he had not made an offer for sale, as the advertisement was only an invitation to treat.

غیر قانونی به متهم شده بود پارتریج در سال (1968) کریتندن بر علیه  
آگهی یک چاپ کرده بود او پرندگان زنده وحشی فروش برای ایجاب  
او حکم داد که دادگاه اما فروش برای پرندگان ایجاب روزنامه یک در  
تنها بود آگهی این چرا که فروش برای ایجاب یک ایجاد نکرده است  
معامله به دعوت یک

قانون فوق برای بعضی از آگهی ها اعمال شده است. در [دعوی] هریس بر علیه نیکرسون در سال (1873)، حکم داده شده که یک اعلامیه با ارائه دادن جزئیات حراج، ایجاب نیست بلکه دعوتی است برای آمدن و ایجاد کردن یک ایجاب است. در دعوی پارتریج علیه کریتندن در سال (1968) پارتریج به ایجاب برای فروش غیر قانونی پرندگان وحشی زنده متهم شده بود اما دادگاه حکم داد که او یک ایجاب برای فروش ایجاد نکرده است، چرا که این آگهی تنها یک دعوت به معامله بود.

An offer must also be distinguished from an intention to make an offer. An interesting point of law was made in Harvey v. Facey (1893), in which Harvey sent a telegram asking

ایجاد کردن قصد یک از متمایز گردد همچنین باید ایجاب یک  
هاروی در [دعوی] اتفاق افتاد حقوقی نکته جالب یک ایجاب یک

Facey if he wished to sell Bumper Hall pen, and asked him to state his lowest price. Facey replied by telegram that

[مبنی بر] سؤال از تلگرام یک فرستاد هاروی که در آن در سال (1893) فیسی بر علیه  
تقاضا کرد از و خودنویس بامپر هال بفروشد مایل است او آیا فیسی  
که تلگرام بوسیله پاسخ داد فیسی قیمت کمترین اش تا بیان کند او

the lowest price would be £900. Harvey accepted at that price but Facey refused to sell. The court held that there was no contract. Facey's telegram was not an offer but a mere invitation to treat, and £900 was the lowest price he would consider if he decided to sell in the future.

آن در پذیرفت هاروی 900 پوند خواهد بود قیمت کمترین آن  
وجود نداشته هیچ رأی داد که دادگاه از فروش امتناع کرد فیزی اما قیمت  
دعوت صرف یک بلکه ایجاب یک نبود تلگرام فیزی قراردادی  
مدنظر داشت او قیمت کمترین یک بود 900 پوند و معامله به  
آینده در بفروشد تصمیم می گرفت او اگر

همچنین ایجاب باید از یک قصد ایجاد کردن یک ایجاب متمایز گردد. یک نکته جالب حقوقی در [دعوی] هاروی بر علیه فیزی در سال 1893 اتفاق افتاد، که در آن هاروی یک تلگرام فرستاد [مبنی بر] سؤال از فیزی که آیا او مایل است خودنویس بامپرهال بفروشد و از او تقاضا کرد تا کمترین قیمتش را بیان کند. فیزی با تلگرام پاسخ داد که کمترین قیمت 900 پوند خواهد بود. هاروی آن قیمت را پذیرفت اما فیزی از فروش امتناع کرد. دادگاه رأی داد که [بین آنها] هیچ قراردادی وجود نداشته است. تلگرام فیزی یک ایجاب نبود بلکه یک دعوت صرف به معامله [بود] و 900 پوند کمترین قیمت بود که اگر در آینده تصمیم به فروش می گرفت، مدنظر قرار می داد.

The law stated above has been decided by cases but there are many similar "offers" which have still to be decided by the courts.

وجود دارد اما دعاوی در مورد حکم واقع شده فوق الذکر قانون آن  
مورد تصمیم گیری واقع شوند هنوز باید که ایجابهای مشابه متعددی  
محاکم توسط

قانون فوق الذکر در دعاوی [متعددی] مورد حکم واقع شده است. اما ایجابهای مشابه متعددی وجود دارد که هنوز باید توسط محاکم مورد تصمیم گیری واقع شوند.

## ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 21

For Example, is the wording on a slot machine the offer or  
یا ایجاب ماشین سکه‌ای یک روی عبارت هست مثال برای  
is

هست

it an invitation to treat so that the customer makes an  
یک ایجاب می‌کند مشتری آن بنابراین معامله به دعوت یک آن  
offer when he places the coin in the slot? is a bus  
اتوبوس یک می‌کند شکاف در سکه را آن قرار می‌دهد او وقتی ایجاب  
making an offer when it stops, or is it inviting  
دعوت آن می‌کند یا توقف می‌کند آن وقتی که ایجاب یک ایجاب  
the passengers to make an offer which the conductor accepts  
قبول می‌کند راننده که ایجاب یک تا ایجاب کنند مسافران  
when he takes the money? It is my opinion that the customer  
مشتری آن که نظر من هست آن پول را می‌گیرد او وقتیکه  
in each case makes the offer, but until such a case  
قضیه‌ای چنین تا زمانی که اما ایجاب را آن ایجاب می‌کند حالت هر در  
is decided by the courts the law is not certain.

معلوم نیست قانون آن محاکم توسط مورد حکم قرار گیرد

برای مثال آیا عبارات [نوشته شده] روی یک ماشین سکه‌ای ایجاب است یا دعوتی است به معامله بنابراین آن مشتری وقتی سکه‌ای را در داخل شکاف قرار می‌دهد ایجاب یک ایجاب می‌کند؟ آیا اتوبوس هنگامی که توقف می‌کند ایجاب ایجاد می‌کند یا [اینکه] مسافران را دعوت به ایجاب می‌کند به طوری که وقتی راننده پول را می‌گیرد آن را قبول می‌کند. عقیده من این است که در هر حالت آن مشتری است که ایجاب را ایجاد می‌کند اما [موضوع] قانون معلوم نیست تا زمانی که چنین قضیه‌ای توسط محاکم مورد حکم قرار گیرد.

**A 2 ACCEPTANCE**

## 2 الف قبول

Once a valid acceptance of an offer has been made and all  
 همه و صورت می‌گیرد ایجاب یک قبول معتبر یک به محض اینکه  
 the other factors are present, a contract is in existence and  
 و موجود هست قرارداد یک مهیا هستند عوامل دیگر  
 neither party may escape from the terms expressed. unless  
 مگر اینکه اظهار شده شروط آن از فرار کند ممکن نیست طرف هیچ  
 both parties agree. As it is important to know when an  
 یک چه وقت که بدانیم مهم هست آن همانطور که موافق باشند طرف هر دو  
 offer is made, it is equally important to know the exact  
 دقیق که بدانیم مهم به همان اندازه هست آن صورت می‌گیرد ایجاب  
 time an acceptance is made, because from that moment all  
 همه لحظه آن از زیرا صورت می‌گیرد قبول یک زمان  
 the duties, obligations and liabilities of the contract are binding on  
 برای الزام آورند قرارداد آن مسئولیت‌های و تعهدات وظایف  
 the parties. The following rules of acceptance have been decided by  
 توسط اتخاذ شده‌اند قبول قوانین ذیل طرفین  
 the courts over many years, but are still subject to change by  
 با تغییر در معرض هنوز هستند اما سنوات متعدد طی محاکم  
 the introduction of new techniques of communication.  
 ارتباطات روش‌های جدید معرفی

**2- قبول**

به محض اینکه قبول معتبر یک ایجاب صورت گرفت و همه عوامل دیگر مهیا هستند،  
 قرارداد موجود است و هیچ طرف نمی‌تواند از شروط اظهار شده فرار کند مگر اینکه هر دو  
 طرف موافق باشند. همانطور که آن مهم است بدانیم چه وقت یک ایجاب صورت می‌گیرد



## ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 23

به همان اندازه این مهم است زمان دقیقی که یک قبول صورت می‌گیرد را بدانیم زیرا از آن لحظه همه وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های آن قرارداد برای طرفین الزام آورند قوانین [مربوط به] قبول ذیل، طی سنوات متعدد توسط محاکم اتخاذ شده‌اند. اما هنوز با معرفی روش‌های جدید ارتباطات در معرض تغییر هستند.

1. Acceptance may only be made by the Person to whom the Offer was made  
1. قبول تنها ممکن است به شخص آن توسط صورت گیرد تنها ممکن است قبول خطاب

به عمل آورده است ایجاب را آن کسی که

An offer made to a specific person may be accepted by that person only (Boulton v. Jones (1857)).  
پذیرفته شود ممکن است شخص معین یک خطاب به صورت گرفته ایجاب یک

در غیر این صورت در سال 1857 جانس علیه بولتن [دعوی] تنها شخص آن توسط  
there could be Some odd situations, such as A offering

ایجاب می‌کند به الف مثال موقعیت‌های عجیب و غریب بعضی از به وجود می‌تواند آید  
C, a famous painter, £ 1000 for a portrait, and D, a house painter who was standing nearby, accepting the offer.  
یک ج و تصویر چهره یک برای 1000 پوند نقاش مشهور یک ب

ایجاب را آن می‌پذیرد در آن نزدیکی ایستاده بود که نقاش ساختمان  
The rule only applies when the offer is made to a specific person and not to the world at large, as in Carlill's Case.  
معین یک برای صورت گیرد ایجاب آن هنگامی که اعمال می‌شود تنها قانون آن  
قضیه کارلایل در مثال عموم جهان برای نه و شخص

1- قبول، ممکن است تنها توسط شخص خطاب به کسی که ایجاب را به عمل آورده، صورت گیرد.

ایجابی که خطاب به شخص معینی صورت گرفته، ممکن است تنها توسط آن شخص پذیرفته گردد [دعوی] بولتن علیه جانس در سال 1857. در غیر این صورت موقعیت‌های

عجیب و غریبی می‌تواند به وجود آید مثل ایجاب 1000 پوند برای یک تصویر چهره [توسط] الف - به ب - یک نقاش مشهور و ج که یک نقاش ساختمان است و در آن نزدیکی ایستاده آن ایجاب را می‌پذیرد. آن قانون تنها هنگامی که ایجاب برای شخص معینی صورت گیرد. اعمال می‌شود و نه برای عموم جهان، مثال در قضیه کارلایل.

2 Acceptance must be absolute and unqualified. The offeree must  
 باید مخاطب ایجاب بی‌قید و شرط و کامل باشد باید قبول  
2 accept the offer as made and not add any conditions  
 قیدی هیچگونه نیفزاید و صورت گرفته همانطور که ایجاب آن پذیرد  
or terms. If a counter – offer is made the offer is terminated  
 منقضی می‌گردد ایجاب آن صورت گرفته باشد متقابل یک اگر شروطی یا  
and the offeror is under no obligation to honour the offer, even if  
 اگر حتی ایجاب را آن محترم بشمرد تا هیچ تعهدی ندارد موجب آن و  
at a later date the acceptor wishes to accept the original  
 اصلی آن قبول کند بخواهد قبول کننده آن زمان متأخر یک در  
terms. In effect, when a counter offer is made the acceptor  
 قبول کننده آن صورت پذیرد ایجاب متقابل یک وقتی نتیجتاً شروط  
is saying "I do not accept your offer, will you  
 شما خواهید کرد ایجاب شما را قبول نمی‌کنم من در حال بیان [این معنی] است که  
accept my offer?" In Hyde v. Wrench (1840), the defendant  
 خوانده آن در سال 1840 رنج علیه هید [دعوی] ایجاب مرا قبول  
offered to sell his land for £1000 Hyde counter – offered buy at  
 به بخرد متقابلاً ایجاب کرد هید 1000 پوند در قبال زمین اش بفروشد پیشنهاد کرد  
£950 but after Wrench had refused this offer, Hyde "accepted"  
 "پذیرفت" هید ایجاب این امتناع کرد از رنج بعد از اینکه اما 950 پوند  
the original offer and sued for the land. It was held by  
 توسط حکم داده شد آن زمین آن برای اقامه دعوا کرد و ایجاب اصلی آن

## ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 25

the court that the courtcr – offer terminated the original offer.  
ایجاب اصلی آن منقضی کرده است ایجاب متقابل آن که دادگاه

2- قبول باید کامل و بی قید و شرط باشد

مخاطب ایجاب باید آن ایجاب را همانطور که صورت گرفته، بپذیرد و هیچ گونه قیدی و شروطی [به آن] نیفزاید. اگر یک ایجاب متقابل صورت گرفته باشد آن منقضی می گردد و آن موجب هیچ تعهدی ندارد تا آن ایجاب را محترم بشمرد، حتی اگر در یک زمان متأخر قبول کننده بخواهد آن شرط اصلی را قبول کند. نتیجتاً وقتی یک ایجاب متقابل صورت پذیرد آن قبول کننده در حال بیان [این معنی] است که "من ایجاب شما را قبول نمی کنم آیا شما ایجاب مرا قبول خواهید کرد؟" در [دعوی] هید بر علیه رنج در سال 1840 خوانده پیشنهاد کرد زمینش را در قبال 1000 پوند بفروشد. هید متقابلاً ایجاب کرد [زمین] را 950 پوند بخرد. اما بعد از اینکه رنج از این ایجاب امتناع کرد هید ایجاب اصلی را "پذیرفت" و برای [به دست آوردن] آن زمین اقامه دعوی کرد. توسط دادگاه [چنین] حکم داده شد که ایجاب متقابل آن ایجاب اصلی را منقضی کرده است.

Generally a seller would probably be prepared to sell at the  
آن به که بفروشد آماده خواهد بود احتمالاً فروشنده یک به طور کلی  
price in the original offer but circumstances may change, for  
برای تغییر کند ممکن است شرایط اما ایجاب اصلی در قیمت  
example another party may wish to buy at a higher price.

قیمت بالاتر یک به بخرد خواهد ممکن است طرف دیگر مثال

به طور کلی، فروشنده احتمالاً آماده خواهد بود به آن قیمت [اولیه] در ایجاب اصلی بفروشد اما ممکن است شرایط تغییر کند. برای مثال طرف دیگر ممکن است بخواهد به قیمت بالاتری بخرد.

It must be noted, however, that a request for further information  
اطلاعات بیشتر برای درخواست یک که با این حال توجه شود باید آن

(e.g. an inquiry as to whether or not credit  
 اعتبار نه یا آیا در خصوص اینکه تحقیق یک مثلاً  
would be granted) is not a counter – offer. stevenson v.  
 علیه استیونسون [دعوی] ایجاب متقابل یک نیست تضمین شده است  
McLean (1880).

در سال 1880 مک لین

با این حال باید توجه شود که درخواست برای اطلاعات بیشتر (مثلاً یک تحقیق در خصوص  
 اینکه آیا اعتبار تضمین شده است یا نه) یک ایجاب متقابل نیست. [دعوی] استیونسون علیه  
 مک لین در سال 1880.

3. Acceptance must be Communicated to the offeror Generally, this  
 این به طور کلی موجب به ابلاغ شود باید قبول 3  
must be actual communication, either orally or in writing, but  
 اما کتبی خواه شفاهی خواه ابلاغ واقعی باشد باید  
in Carlill v. Carbolic Smoke ball Co. (see p.118)

(ص 118 ملاحظه شود) شرکت اسمک بل کاربولیک علیه کارلایل در [دعوی]

the Court of Appeal considered that acceptance may be  
 شود ممکن است قبول که مدنظر قرارداد استیناف دادگاه  
implied from the conduct of the acceptor. In this case, Mrs.

خانم قضیه این در قبول کننده رفتار از به طور ضمنی استنباط  
Carlill's action in buying the remedy implied her

او بطور ضمنی نشان می‌داد دارو خرید در اقدام کارلایل  
acceptance of the terms of the offer and it was not necessary to

تا لازم نبود آن و ایجاب شروط قبول  
actually communicate her acceptance.

قبول اش را ابلاغ کند به طور واقعی

3- قبول باید به موجب ابلاغ شود.

## ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 27

به طور کلی این ابلاغ باید واقعی باشد خواه شفاهی، خواه کتبی. اما در [دعوی] کارلایل بر علیه شرکت کاربولیک اسمک بل، دادگاه استیناف [این نکته را] مدنظر قرارداد که قبول ممکن است به طور ضمنی از رفتار قبول کننده استنباط شود. در این قضیه اقدام خانم کارلایل در خرید دارو و قبول شروط ایجاب [توسط] او را به طور ضمنی نشان می داد. و لازم نبود قبول خود را بطور واقعی ابلاغ کند.

A person making an offer may not stipulate in the offer  
ایجاب آن در شرط نماید ممکن نیست ایجاب یک ایجاد می کند شخص یک  
that no communication will be deemed an acceptance. In Felthouse

فلتوس در [دعوی] قبول یک تلقی خواهد شد عدم ابلاغ که  
v. Bindley (1862), the plaintiff wrote to his nephew

برادرزاده اش به نوشت [نامه ای] خواهان در سال 1862 بیندلی بر علیه  
offering to buy a horse for £30 and "if I hear no more  
چیز دیگری نشنوم من اگر و 30 پوند در قبال اسب یک خرید ایجاب کرد  
I consider the horse to be mine". "The nephew did not reply

پاسخ نداد برادرزاده مال من که باشد اسب آن تلقی می کنم من  
but ordered Bindley, the auctioneer, to withdraw the horse from  
از اسب را تا صرف نظر کند متصدی حراج بیندلی دستور داد به اما  
sale. In error the horse was auctioned and Felthouse sued

اقامه دعوی کرد فلتوس و فروخته شد اسب اشتباهاً فروش  
for his loss. The court held that. as the nephew

برادرزاده همانطور که مقرر داشت که: دادگاه خسارت اش جهت  
had not communicated his acceptance of the offer, no contract

هیچ قراردادی ایجاب قبول اش ابلاغ نکرده بود  
existed and Felthouse had no right of action.

حق اقامه دعوی ندارد فلتوس و به وجود نیامده

شخصی که ایجابی ایجاد می کند ممکن نیست در ایجاب شرط نماید که عدم ابلاغ [قبول]، قبول تلقی خواهد شد در [دعوی] فلتوس علیه بیندلی در سال 1862 خواهان به برادرزاده اش خرید یک اسب را در قبال 30 پوند ایجاب کرد و نوشت "اگر من چیز دیگری نشنوم آن اسب را مال خودم تلقی می کنم." برادرزاده پاسخی نداد اما به بیندلی، متصدی حراج دستور داد تا از فروش اسب [در حراج] صرف نظر کند. اشتباهاً اسب در حراج فروخته شد و فلتوس جهت خسارتش اقامه دعوی کرد. دادگاه مقرر داشت از آنجا که برادرزاده قبول ایجابش را ابلاغ نکرده هیچ قراردادی به وجود نیامده و فلتوس حق اقامه دعوی ندارد.

#### 4. Acceptance must generally be in the mode Specified in the Offer

ایجاب در معین شده نحو به باشد به طور کلی باید قبول  
If a particular method of acceptance is not specified in the offer,  
 ایجاب در معین نشده باشد قبول روش خاص یک اگر  
any reasonable method of communication may be used,

مورد استفاده قرار گیرد ممکن است روش ابلاغ معقول هر  
but if the offeror stipulates a specific mode of acceptance, it  
 آن قبول شیوه خاص یک شرط نماید موجب آن اگر اما  
must be carried out in this manner. In Eliason v. Henshaw  
 هنشاو بر علیه الیاسون در [دعوی] شیوه همان به صورت پذیرد باید  
(1819), the plaintiff offered to buy flour from Henshaw. The offer  
 ایجاب هنشاو از آرد خریدن ایجاب کرد خواهان در سال 1819  
stipulated that acceptance must be given to the waggoner who  
 که واگن چی همان به ارائه شود باید قبول مقرر داشت که  
delivered the offer. The acceptance was sent by post and arrived  
 رسید و پست به وسیله فرستاده شد قبول ایجاب را آن تحویل داده  
after the return of the waggoner. It was held that as the specific  
 مشخص همانطور که حکم داده شد که آن واگن چی مراجعت بعد از  
mode of acceptance was not followed there was no contract.  
 قراردادی هیچ وجود ندارد متابعت نشده روش قبول

4- به طور کلی قبول باید نحو معین شده در ایجاب باشد.

اگر یک روش خاص قبول ایجاب معین نشده باشد هر روش معقول ابلاغ ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. اما اگر آن موجب شیوه خاصی [از] قبول را شرط نماید. آن [قبول] باید به همان شیوه صورت پذیرد. در دعوی الیاسون بر علیه هانشا در سال 1819 خواهان خرید آرد را از هانشا و ایجاب کرد. ایجاب مقرر داشت که قبول باید به همان واگن چی که آن ایجاب را تحویل داده ارائه شود. قبول بوسیله پست فرستاده شد و بعد از مراجعت واگن چی رسید و آن [چنین] حکم داده شد همان طور که روش مشخص قبول متابعت نشده است، قراردادی وجود ندارد.

This rule may be relaxed if it is shown that a different method of acceptance places the offeror in a no less advantageous

مطلوبی کمتر یک در موجب را قرار می دهد روش قبول  
position. (Manchester Diocesan Council of Education v. Commercial  
Tjari br علیه شورای آموزشی D M [دعوی] وضعیت  
General investments Ltd (1970).

در سال 1970 شرکت با مسئولیت محدود سرمایه گذاری عمومی

اگر آن نشان داده شود که یک روش متفاوت قبول موجب را در یک وضعیت کمتر مطلوبی قرار می دهد این قانون ممکن است تعدیل گردد. ([دعوی] شورای آموزشی MD بر علیه شرکت با مسئولیت محدود سرمایه گذاری عمومی، تجاری)

### **Termination of An Offer**

ایجاب یک انقضای

An offer is terminated by the following events. and is no longer  
دیگر نیست و وقایع ذیل توسط منقضی می شود ایجاب یک

capable of being accepted

پذیرفته شدن قادر به

### انقضای یک ایجاب

یک ایجاب توسط وقایع ذیل منقضی می‌شود و دیگر قادر به پذیرفته شدن نیست.

1 Refusal

1 امتناع

The other party refuses to accept the offer.

ایجاب آن پذیرفتن از امتناع می‌ورزد طرف دیگر (مقابل)

1- امتناع

طرف مقابل از پذیرفتن آن ایجاب امتناع می‌ورزد.

2 Counter – offer

2 ایجاب متقابل

the offeree does not accept the offer as made, but

اما انجام یافته همانطور که ایجاب را آن قبول نمی‌کند مخاطب ایجاب آن changes the terms or conditions. (See Hyde v.

علیه هید ملاحظه شود به [دعوی] قیود یا شروط تغییر می‌دهد

Wrench above.)

در بالا رنج

2- ایجاب متقابل

آن مخاطب ایجاب، را همانطور که انجام یافته قبول نمی‌کند اما قیود یا شروط [آن را] تغییر می‌دهد. (ملاحظه شود به دعوی هید بر علیه رنج در بالا) 3

3 Revocation

3 الغاء [ایجاب]

The offeror may revoke or withdraw the offer at any time before

قبل از هر زمان در ایجاب صرفنظر کند از یا لغو کند ممکن است موجب



### ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 31

acceptance unless consideration to keep the offer open has been given

داده شده باشند باقی ایجاب نگه داشتن عوض مگر اینکه قبول  
Dickenson v. Dodds (1876)  
در سال 1876 دادس علیه دیکنسون [دعوی]

### 3- الغای ایجاب

موجب ممکن است در هر زمان قبل از قبول ایجاب را لغو یا [از آن] صرف نظر کند مگر اینکه [برای] باقی نگه داشتن ایجاب عوضی داده شده باشد.

### 4 Lapse of Time

4 (مهلت) زمان انقضای

If no fixed time is allowed for acceptance, the offer is only

تنها است ایجاب آن قبول برای اعطاننده باشد زمان مشخص هیچ اگر  
effective for a reasonable time. What is a reasonable time

زمان معقول یک است چه چیزی زمان معقول یک برای مؤثر  
depends on the circumstances of each case. Therefore, if a

یک اگر بنابراین قضیه هر شرایط به بستگی دارد  
person made an offer to buy perishable goods such as fresh

تازه مثل کالاهای فاسد شدنی برای خریدن ایجاب یک ایجاد کند شخص  
tomatoes, it would be reasonable to expect an immediate or

یا فوری یک قبول کنیم که معقولانه خواهد بود آن گوجه فرنگی  
fairly prompt acceptance but when more durable goods are

هستند کالاهای بادوام تر هنگامی که اما قبول فوری تقریباً  
the subject – matter of the offer, a longer period of time may

ممکن است زمان مدت طولانی تر یک ایجاب موضوع  
be considered reasonable.

معتقول تلقی شود

### 4- انقضای مهلت (زمان)

اگر هیچ زمان مشخصی برای قبول اعطا نشده باشد، آن ایجاب تنها برای یک زمان معقول مؤثر است [اینکه] زمان معقول چیست به شرایط هر قضیه بستگی دارد. بنابراین اگر یک شخص ایجابی را برای خرید کالاهای فاسد شدنی مثل گوجه فرنگی تازه ایجاد کند، معقولانه خواهد بود که یک قبول فوری یا تقریباً فوری را بپذیریم. اما هنگامی که کالاهای بادوام تری موضوع ایجاب هستند، ممکن است مدت زمان طولانی تری معقول تلقی شود.

Ramsgate Victoria Hotel v. Montefiore (1866) Montefior  
مونت‌فی‌یر در سال (1886) مونت‌فی‌یر بر علیه هتل ویکتوریا رامزگیت [دعوی]  
offered to buy shares in the company. Nearly six months later  
بعد ماه شش تقریباً شرکت در سهام بخرد ایجاب کرد  
the company accepted the offer but Montefiore refused  
امتناع کرد مونت‌فی‌یر اما ایجاب را آن قبول کردن شرکت آن  
to take the shares. It was held that the period between the  
آن بین زمان آن حکم داده شد که آن سهام آن از گرفتن  
offer and acceptance was unreasonable and the offer had lapsed  
منقضی شده بود ایجاب آن و نامعقول بوده قبول و ایجاب  
before the company's acceptance was made.  
صورت گیرد قبول شرکت آن قبل از

دعوی هتل ویکتوریا رامزگیت بر علیه مونت‌فی‌یر در سال 1886. مونت‌فی‌یر ایجاب کرد سهام شرکت را بخرد. تقریباً شش ماه بعد آن ایجاب را قبول کرد اما مونت‌فی‌یر از گرفتن آن سهام امتناع کرد. آن [چنین] حکم داده شد که آن زمان بین ایجاب و قبول نامعقول بوده و قبل از [اینکه] قبول شرکت صورت گیرد آن ایجاب منقضی شده بود.

## 5 Death

5 فوت

Death by either party before acceptance terminates an offer,  
ایجاب یک منقضی می‌کند قبول قبل از طرف هر توسط فوت  
unless the acceptor does not know of the offeror's death and the  
آن و فوت موجب از بی‌اطلاع بوده قبول کننده آن مگر اینکه  
dead person's personal representatives are capable of performing  
تشکیل قادر باشند به باشند نمایندگان شخصی شخص متوفی  
the contract. Obviously, this would not apply if the dead person's  
شخص متوفی آن اگر اعمال نخواهد شد این به طور واضح قرارداد آن  
personal services were needed to perform the contract.  
قرارداد آن تشکیل برای نیاز بوده باشد خدمات شخصی  
(Bradbury v. morgan) 1862  
1862 مورگان علیه برادبری [دعوی]

## 5- فوت

فوت هر [یک از] طرفین قبل از قبول، ایجاب را منقضی می‌کند مگر اینکه قبول کننده از فوت موجب بی‌اطلاع بوده و نمایندگان شخصی شخص متوفی قادر به تشکیل آن قرارداد باشند به طور واضح، اگر خدمات شخصی شخص متوفی قادر به تشکیل آن قرارداد نیاز بوده باشد این [قاعده] اعمال نخواهد شد. ([دعوی] برادبری علیه مورگان در سال 1862).

Many candidates in examinations confuse "termination of an  
یک انقضای اشتباه می‌گیرند امتحانات در داوطلبان بسیاری از  
offer" with the "discharge of a contract" If an offer is terminated  
منقضی گردد ایجاب یک اگر قرارداد یک خاتمه با ایجاب  
a contract never came into existence. As  
همانطور که وجود به نمی‌آید هرگز قرارداد یک

both of these aspects of contract law are regularly examined,  
 در امتحان مرتباً می‌آیند حقوق قراردادهای نکات این ی هر دو  
students should know the difference between the two.  
 دورا آن بین تفاوت آن بدانند باید دانشجویان

بسیاری از داوطلبان در امتحانات "انقضای یک ایجاب" [را] با "خاتمه یک قرارداد" اشتباه می‌گیرند. (ص 139 ملاحظه شود). اگر یک ایجاب منقضی گردد، یک قرارداد هرگز به وجود نمی‌آید. همانطور که هر دوی این نکات [در] حقوق قراردادهای مرتباً در امتحان می‌آیند، دانشجویان باید تفاوت بین آن دو را بدانند.

#### **OFFER AND ACCEPTANCE BY THE POSTAL SERVICES**

خدمات پستی طریق از قبول و ایجاب

Provided that the post is considered a reasonable means of  
 وسیله متعارف یک تلقی شود پست در صورتیکه  
communication between the parties, the following rules apply:  
 اعمال می‌شود قوانین ذیل طرفین آن بین ارتباطی

#### **ایجاب و قبول از طریق خدمات پستی**

در صورتی که پست یک وسیله متعارف ارتباطی بین آن طرفین تلقی گردد قوانین ذیل اعمال می‌گردد.

1 An Offer is effective when it actually arrives An offer in  
 طی ایجاب یک دریافت می‌شود واقعاً آن وقتی که مؤثر هست ایجاب یک 1  
a letter posted on July 1 and delivered on July 6  
 ششم جولای در تحویل داده شد و اول جولای در پست شد نامه یک  
because of a postal delay becomes operative on July 6  
 ششم جولای در مؤثر واقع می‌شود تأخیر پستی یک بخاطر

### ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 35

and not when it would be expected to be delivered. Adams  
و نه که زمانی که انتظار می‌رفت تحویل داده شود [دعوی] آدامز  
v. Lindsell (1818).  
لیندسل برعلیه 1818

1- یک ایجاب وقتی مؤثر است که واقعاً دریافت شود.

یک ایجاب طی نامه‌ای در اول جولای پست شد و بخاطر یک تأخیر پستی که مؤثر واقع می‌شود در ششم جولای تحویل داده شد و نه زمانی که انتظار می‌رفت تحویل داده شود [دعوی] آدامز برعلیه لیندسل در سال (1818).

### 2. Acceptance

2 قبول

The general rules of acceptance apply when using  
استفاده می‌شود هنگامی که اعمال می‌گردد قبول قوانین عمومی آن  
the post, that is, the acceptance must actually be received by the  
آن توسط دریافت شود واقعاً باید قبول آن یعنی پست  
offeror. Holwell Securifies v. Hughes (1974) However, if it  
آن اگر هرچند در سال 1974 هاکس برعلیه امنیت HS موجب  
can be clearly or reasonably shown that the offeror intended  
قصد داشته موجب آن که نشان به طور معقولانه یا مسلماً دهد بتواند  
that it be sufficient for acceptance to be posted, acceptance is  
هست قبول پست شود تا قبول برای کافی باشد آن که  
effective as soon as it is placed in the post – box. provided the  
آن به شرطی که صندوق پست در جا می‌گیرد آن به محض اینکه مؤثر  
letter is correctly addressed and properly stamped  
مهر خورده باشد به درستی و آدرس نویسی به درستی شده باشد نامه  
(Henthorn v. Fraser (1892)). It would be considered a  
یک تلقی خواهد شد این 1892 فراسر برعلیه تورن هون [دعوی]

good acceptance if the letter was lost in the post and  
 و اداره پست در گم شود نامه آن اگر قبول صحیح  
not delivered to the offeror. In Household Fire Insurance  
 بیمه آتش سوزی خانواده در [دعوی] موجب به تحویل داده نشود  
Co. v. Grant (1879). the defendant applied for shares  
 سهام برای درخواست نمود خوانده آن در سال 1879 گرانٹ بر علیه شرکت  
in the company, The company accepted the offer and posted  
 پست کرد و ایجاب آن قبول کرد شرکت آن شرکت آن در  
the letter of allotment, but it was never delivered to Grant.  
 گرانٹ به تحویل داده نشده هرگز بود آن اما تخصیص سهام نامه آن  
The Court of Appeal held that acceptance took place as soon as  
 به محض اینکه واقع شده قبول رأی داد که استیناف دادگاه  
the letter was posted, because the post was considered the agent of  
 نماینده تلقی می شد اداره پست برای اینکه پست شد نامه آن  
the offeror.  
 موجب آن

## 2- قبول

هنگامی که از پست استفاده می شود، آن قوانین عمومی قبول اعمال می گردد. یعنی آن قبول باید واقعاً دریافت شود. [دعوی] HS بر علیه هاکس در سال 1974. هر چند اگر آن بتواند به طور واضح یا معقولانه نشان ندهد که موجب قصد داشته که پست شدن قبول کافی باشد [در این صورت] قبول به محض اینکه در صندوق پست جای گیرد مؤثر است به شرطی که آن نامه به درستی آدرس نویسی شده و مهر خورده شده باشد [دعوی] هن تون بر علیه فراسر در سال 1892. اگر نامه در اداره پست گم شود و به موجب تحویل داده نشود. آن [قبول] یک قبول صحیح تلقی خواهد شد. در [دعوی] شرکت بیمه آتش سوزی خانواده بر علیه گرانٹ در سال 1897، خوانده سهام در آن شرکت را درخواست نمود. آن شرکت آن ایجاب را قبول کرده و نامه تخصیص سهام را پست کرد اما هرگز به گرانٹ تحویل داده

### ترجمه تحت اللفظی و روان جی سی اس ای / چتردانش 37

نشده بود. دادگاه استیناف رأی داد که به محض اینکه آن نامه پست شد قبول واقع شده است برای اینکه اداره پست نماینده آن موجب تلقی می‌شد.

A possible for this reversal of the general rule is that it is  
است آن آنکه هست قانون عمومی آن نقض این برای امکان یک  
easier to provide proof of posting than to prove actual receipt.  
دریافت واقعی اثبات به نسبت پست مدرک تهیه برای آسانتر

یک امکان برای نقض قانون عمومی آن است که تهیه مدرک پست نسبت به اثبات دریافت واقعی [نامه حاوی قبول] آسان تر است.

When Telex is used as a means of communication, the rule  
قانون آن ارتباطی ابزار یک به عنوان استفاده می‌شود تلکس وقتی  
established by the Court of Appeal in Entores

با مسئولیت محدود اینترس در [دعوی] استیناف دادگاه توسط وضع شده  
Ltd v. Miles Far East Corporation (1955) is that

که است در سال 1955 شرکت مایلز خاور دور برعلیه شرکت  
acceptance takes when the telex is received. Telex is considered

تلقی می‌شود تلکس دریافت شود تلکس آن وقتی که واقع می‌شود قبول  
similar to using the telephone and not the post. However,

هرچند پست نه و تلفن استفاده از همانند  
in Brinkiholl Ltd v. stehag stahl (1982)

در سال 1982 استاهل استاهگ برعلیه شرکت با مسئولیت محدود برینکیون در [دعوی]  
the House of Lords held that this is not a universal rule and

و قانون جهانی یک نیست این حکم داد که اعیان مجلس  
would not apply in every case. For example, if the telex was sent  
فرستاده شود تلکس آن اگر مثال برای دعاوی همه در اعمال نخواهد شد

at night and was not read until next morning when the office  
اداره آن هنگامی که صبح بعد تا خوانده نشود و شب در  
staff arrived at work.

سرکار به برسند کارمندان

وقتی تلکس به عنوان یک ابزار ارتباطی استفاده می شود قانون وضع شده توسط دادگاه استیناف در دعوی شرکت با مسئولیت محدود اینترس بر علیه شرکت مایلز خاور دور در سال 1955 آن است که وقتی تلکس دریافت شود قبول واقع می شود. تلکس همانند استفاده از تلفن تلقی می شود و نه پست. هر چند در [دعوی] شرکت با مسئولیت محدود برینیکیون بر علیه استاهاگک استاهل در سال 1982، مجلس اعیان حکم داد که این قانون جهانی نبوده و در همه دعاوی اعمال نخواهد شد. برای مثال اگر آن تلکس در شب فرستاده شود و تا صبح بعد هنگامی که کارمندان آن اداره به سرکار برسند خوانده نشود.

### 3 Revocation

3 الغاء

Revocation takes place when actually received by the  
آن به وسیله دریافت شود واقعاً وقتی که  
offeree , not when posted Byrne v. Van Tien hoven  
نیز هاون ون بر علیه بیرن [دعوی]  
مخاطب ایجاب نه هنگامی که پست شود  
(1880).

در سال 1880

### **3- الغاء**

الغاء [ایجاب] وقتی واقع می شود که واقعاً توسط آن مخاطب ایجاب دریافت شود نه هنگامیکه پست شود. [دعوی] بیرن بر علیه ون تین هاون در سال 1880.

### **B CONSIDERATION**

ب عوض